

نقش اعتقادات در حفظ محیط زیست از دیدگاه قرآن

علیرضا الماسوندی^۱

احمد مراد خانی^۲

سید حسن عابدیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

چکیده

در جهان هستی، حیات همه موجودات زنده بر زندگی یکدیگر تأثیر می‌گذارد. محیط زیست ظرف کمال انسان است و باید به آن توجه شود تا بتواند کمال انسان را به ظهور برساند. از این رو، شایستگی حفاظت و مراقبت را دارد. وخامت بحران‌های محیط‌زیستی تا حدی است که حیات انسان و سایر موجودات بر کره خاکی را به مخاطره انداخته است. از منظر قرآن کریم مالکیت همه اشیاء، از آن خدا است و مالکیت انسان نسبت به اموالش، مالکیت قراردادی است. بنابراین، تبیین اخلاق محیط‌زیستی براساس مفهوم خداباوری می‌تواند رهیافت فراگیرتری نسبت به تعامل انسان با محیط‌زیست طبیعی فراهم آورد. در این مقاله، با رویکرد توصیفی-تحلیلی سعی بر آن است با تکیه بر قرآن کریم و آموزه‌های وحی، تأثیر اعتقاد به خدا و وحی در حفظ محیط زیست مورد بررسی واقع شود و به این مهم رسیده که خداوند، طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و او ضمن آنکه حق تصرف در آن را دارد، در عین حال موظف است با طبیعت، همچون عطیه الهی برخورد کند و در حفظ و آبادانی آن کوشیده و همواره عالم هستی را عزیز بدارد و همچنین آگاه باشد که حق استفاده از محیط زیست، اختصاص به یک نسل ندارد، از این رو، باید بهره‌برداری از آن اصولی و عادلانه باشد؛ با چنین رویکردی، انسان خداشناس درصدد است که با عمل به آموزه‌های قرآن کریم در حفظ و نگهداری محیط زیست کوشا باشد، زیرا خدا را ناظر بر رفتار خود با طبیعت می‌داند و به عنوان حق جمعی به محیط زیست می‌نگرد و مانع از پایمال شدن حق دیگران می‌گردد.

کلید واژه‌ها: قرآن، خداباوری، حق الناس، اخلاق‌مداری، محیط زیست.

^۱ دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

^۲ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۱. پیش‌گفتار

زیبایی جهان آفرینش در نظام‌مند بودن آن است، به طوری که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معین و راه و راهنمای مشخص آفریده شده، لذا هم نظام فاعلی آن منسجم و عالمانه است و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه است و هم نظام داخلی آن هماهنگ و خردمندانه تعبیه شده است. (ناصری داوودی، ۱۳۹۱: ۱۴) پیام قرآن حکیم در این زمینه چنین است: (قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى) (سوره طه / ۵۰)؛ پروردگار ما ساختار هر مخلوق را برابر استعداد، استحقاق، ظرفیت و هدفمندی او تأمین کرد؛ آنگاه او را در بستری مستقیم به مقصدی که مقصود در آنجاست، رهبری نمود.

مبدأ پیدایش آفرینش، خداوند متعال است. قرآن کریم حمد و ستایش را مخصوص خداوندی دانسته است که خالق آسمانها و زمین است. (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (انعام/ ۱) خالقی که هر چه آفرید نیک آفرید: (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ) (سجده / ۷) بنابراین، پدیده‌ها و آفریده‌ها از حسن و زیبایی آفرینشی برخوردارند. زیبایی و حسن آفرینشی موجودات، ناشی از آن است که آنها در بستر عدالت آفریده شده‌اند؛ چنانکه رسول اکرم (ص) فرموده است: (بالعدل قامت السموات والأرض) (ابن جمهور، ۱۴۰۵: ۴ / ۱۰۳) و اصولاً عدل، ترازوی خداوند در امر آفرینش است: (وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ) (الرحمن / ۹) و خلقت بر اساس حق که ملازم عدل است شکل گرفته است: (مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ) (احقاف / ۳) بنابراین می‌توان گفت: خداوند بر اساس حق و عدالت، هر موجودی را که شایستگی داشته، بهره‌مند ساخته و آن را در مسیر تکاملی خود هدایت فرموده است: (رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى) (طه / ۲۰) بدین جهت، آفرینش هستی و طبیعت قابل ستایش است.

خداوند، طبیعت را هدفمند و هدفدار خلق کرد و تمام مخلوقات را به لحاظ کمیت و کیفیت به اندازه و متناسب آفریده است. مؤید این جمله، گفتار خداوند در قرآن کریم است که می‌فرماید: (إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ) (قمر / ۴۹) جهان هستی از نظم دقیقی برخوردار و تمامی مخلوقات در تعادل و تناسب و به اندازه آفریده شده‌اند و هر یک از اجزا و عناصر خلق شده در بقای این کره خاکی و در نتیجه در ادامه زندگی انسان نقش دارد؛ بنابراین هر تغییر نابجا و زیان رساندن به هر یک از اجزای این سیستم عظیم، سبب به خطر افتادن حیات هستی می‌شود.

عالم هستی عالم شعور است و مالک آن خداوند است، توازن در عالم طبیعت نشانه تدر و تقدیر اوست. آنچه را که خداوند خلق نموده است، حد و اندازه‌ای دارد و انسان به عنوان خلیفه الهی و امانتدار این حدود و توازن، حافظ این تکلیف الهیاست و قصور در حفظ این تکالیف عدم رعایت حدود الهی و فساد است.

در قرآن، آیات و نشانه‌های گوناگون‌نیدال بر استقرار و حاکمیت توازن و تعادل و حساب و کتاب دقیق در نظام هستی وجود دارد؛ از جمله، آیه هفت سوره الرحمن: (وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ) (الرحمن / ۷) تفسیر معنایی (وَوَضَعَ الْمِيزَانَ) بسیار گسترده است و هر گونه وسیله سنجش و اندازه‌گیری و وضع هنجارها، قوانین و معیارهای توازن بخشی به نظام هستی را شامل می‌شود.

۱. [موسی] گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش خاص آن را عطا کرده و آنگاه [آن را به راه کمال] هدایت فرمود.

۲. ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم.

۳. آسمان را رفیع و گسترده بیافریدیم و توازن دقیقی میان اجرام آسمانی شناور در آن وضع نمودیم.

اگر انسان‌ها نیز در زندگی فردی و اجتماعی خویش فاقد نظم و میزان بوده و التزامی به رعایت معیارهای بهنجار در زندگی اجتماعی خویش نداشته باشند، رو به فنا خواهند رفت. قرآن کریم در ادامه براهمیت توازن و رعایت میزان تأکید نموده و می‌فرماید: (وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ)^۱ (الرحمن / ۹) تفسیر آیه چنین است که در جهت برقراری توازن در جامعه تلاش نمایید و با قسط و عدالت، حق (که میزان سنجش است) را اقامه نمایید و از میزان کم مگذارید که موجب خسران است.

خداوند در آیه ۱۹ سوره حجر مصداقی از توازن در نظام هستی را چنین معرفی می‌کند: (وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا هَا وَاللَّيْلَةَ فِيهَا رَوَّاسِي وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ)^۲ به این ترتیب توازن، تعادل، تقارن، نظم و اعتدال به عنوان ویژگی‌های برجسته پدیده‌های آفرینش در نظام هستی معرفی شده است. موزون از ریشه وزن و به معنای سنجیده و اندازه‌گیری شده و اشاره به محاسبات و نظم دقیق و مقدار بهینه است. موزون را مقدار بهینها مقدار مطلوب و حد متعالی می‌توان تعریف کرد. «أَنْبَتْنَا» در اینجا اشاره به خلقت همه پدیده‌های عالم هستی است؛ از گیاهان و جانوران و معادن و انسان‌ها و دیگر موجودات ریز و درشت عالم که ابعاد و اجزاء و ساختار آنها سنجیده و محاسبه شده و متناسب و دقیق و موزون ایجاد شده است. این سنجیدگی و تناسب را می‌توان در زنجیره زیست محیطی و روابط میان موجودات عالم نیز مشاهده نمود. متاسفانه رفتارهای ناموزون بشر در طبیعت و در محیط زیست و بهره‌برداری غیربهینه انسان‌ها از معادن، منابع آب، جنگل‌ها و گیاهان و شکار حیوانات و حتی توحشی که در نتیجه جنگ‌های میان دولت‌های مختلف و نسل‌کشی‌هایی که در میان نوع بشر صورت گرفته است و آلودگی‌هایی که به سبب توسعه ناموزون صنایع آلاینده ایجاد شده است، حیات انسان را در زمین دچار مخاطره نموده، مخاطرات زیست محیطی افزایش یافته است و سال‌ها است که دانشمندان هشدار می‌دهند که حیات بر روی زمین در نتیجه رفتارهای غیرمسئولانه انسان‌ها در معرض خطر است. مدعیان واقعی حقوق بشر و دوست‌داران نظم و عدالت و طرفداران قانون توازن و تعادل و بزرگان، اندیشمندان و خردورزان عالم می‌بایست حرکتی جهانی را در جهت بیداری جامعه انسانی در غفلت فرو رفته، به راه اندازند تا جلوی این گونه بی‌عدالتی‌ها و رفتارهای ناموزون و مخرب در کره زمین، این سیاره زیبای که پروردگار عالم در نزد انسان به ودیعت نهاده است گرفته شود.

۱-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

آنچه به این مقاله ضرورت می‌بخشد، دقت در این نکته است که طبق تحلیل‌های ناروای برخی از افراد؛ طبیعت، طفیل هستی و مسخر وجود انسان بوده و برای بهره‌وری بیشتر انسان از زندگی آفریده شده است. برخی این قبیل تحلیل‌ها را مجوز غصب و غارت و تاراج کشیدن منابع طبیعی دانسته‌اند و به گمان خود، بر طبیعت حمله می‌کنند؛ بسیاری از افرادی که چنین رفتاری دارند از بی‌دینان هستند یا از کسانی هستند که تقید دینی ندارند.

این مقاله که با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است، در بعد نگرشی، با محوریت خداشناسی و با رویکردی کاربردی جهت حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن به ضرورت حفظ محیط زیست از منظر خداشناسی می‌پردازد و یادآور می‌شود که اسلام ضمن آنکه بیان می‌دارد که خداوند طبیعت محیط زیست را برای انسان آفریده

۱. وزن را برای تحقق قسط و عدل در جامعه برپا دارید و از میزان تخطی نکنید.

۲. و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های ریشه‌دار نهاديم و نیز از هر چیزی به اندازه‌ای موزون در آن قرارداديم.

است و او حق تصرف در آن را دارد، اما باید بهره‌برداری از آن اصولی و عادلانه باشد؛ به طوری که هم نسل حاضر و هم نسل‌های آینده بتوانند از آن استفاده کنند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پیرامون اخلاق زیست محیطی پژوهش‌هایی انجام شده است که برخی از آنها عبارتند از: «بهره‌گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلام» (۱۳۷۸) نوشته محمد ربانی، «رویکردهای نوین به درون‌مایه‌های دینی در حفاظت محیط زیست» (۱۳۸۶) نوشته امیرحسین صادقی، «اخلاق زیست محیطی و توسعه پایدار از دیدگاه اسلام» (۱۳۹۲) نوشته یاسر و حامد زهتاب یزدی، «تأثیر باور دینی در نحوه برخورد با محیط زیست» (۱۳۹۴) نوشته مریم رفیعا و نفیسه ساطع، «نگرش و اهمیت اسلام به محیط زیست» (۱۳۹۶) نوشته طاهره محمدی و مهری اذانی؛ و مقالات و پژوهش‌های بسیاری دیگر در این مضمون و محتوا نوشته شده‌اند؛ اما وجه افتراق مقاله حاضر با پژوهش‌های انجام شده، در آن است که ضمن بررسی دیدگاه قرآن نسبت به محیط زیست، به تحلیل و بررسی نقش خداآوری و خداشناسی به عنوان یک عامل بازدارنده در تخریب محیط زیست می‌پردازد.

۲. بحث

۱-۲. تعریف علمی محیط زیست

محیط زیست در معنایی که امروزه به کار می‌رود؛ در بسیاری از زبان‌ها، اصطلاحی نو و تازه است. کاربرد آن در زبان فرانسه به قرن دوازدهم باز می‌گردد. این اصطلاح از آغاز دهه شصتکاربردی مستمر و مؤثر پیدا کرده و در خلال همین دهه کلمات جدیدی برای بیان این مفهوم در زبان‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. این امر نشان از سابقه تقریباً ۳۰ سال توجه بخش عظیمی از جهان، به طور همزمان، نسبت به پدیده‌ای تازه است که پیش روی جهان مدرن قرار دارد. (کیس، ۱۳۷۹: ۵ / ۱) مفهوم لغوی واژه (Environment)، محیط، احاطه‌کننده اطراف و دور و بر است که اصطلاحاً (Environment) برای بیان مفهوم محیط زیست به کار گرفته شده است. (آریان‌پور، ۱۳۶۶: ۲ / ۳۳۲)

محیط زیست، به تمامی محیطی اطلاق می‌شود که نسل انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد. (میرقوام، ۱۳۷۵: ۳) و به زبان ساده، محیط زیست عبارت است از؛ هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبریان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر یا ده؛ شامل کوچه، خیابان، ساختمان (اعم از تاریخی و عادی و کارخانه) و غیره. (بنان، ۱۳۵۱: ۵ / ۱)

۱-۱-۲. محیط زیست انسانی

محیط زیست انسانی نیز عبارت است از؛ مجموعه عوامل طبیعی و مصنوعی و اجتماعی که در اطراف او وجود دارد و بر زندگی‌اش تأثیر می‌گذارد و او تأثیر می‌پذیرد و به سه بخش کلی تقسیم می‌شود (رمضانی، ۱۳۹۲: ۱):

الف. محیط زیست طبیعی: این بخش از محیط زیست، شامل قسمتی از فضای کره زمین است که به دست بشر ساخته نشده است؛ مانند کوه، جنگل، دریا و محیط زیست طبیعی به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. طبیعت بی‌جان؛ مانند آب، هوا، خاک و ... ۲. طبیعت جاندار؛ مانند گیاهان، حیات وحش و

ب. محیط زیست مصنوعی: این بخش، قسمتی از محیط زیست را شامل می‌شود که به دست بشر ساخته شده است. به طور کلی، شهرهای ما با تمام محتوایشان محیط زیست مصنوعی ما را تشکیل می‌دهند؛ خانه‌ها، خیابان‌ها، مدارس، فرودگاه‌ها، کارخانه‌ها و ... همگی از اجزای محیط زیست مصنوعی به شمار می‌روند. همچنین عواملی نظیر آلودگی هوا

و آب و زباله‌های کنار خیابان‌ها و ... نیز جزء این بخش از محیط زیست محسوب می‌شوند؛ زیرا حاصل فعالیت‌های انسان هستند.

فرم و شکل محیط زیست مصنوعی حاصل نیروی فکر جامعه است و از آن می‌توان به عنوان شاخصی برای شناخت طرز تفکر و فرهنگ هر جامعه بهره جست؛ بر پایه همین استدلال می‌توان از طریق بررسی تمیزی یا آلودگی یک شهر به کیفیت فرهنگی مردم آن شهر و میزان اهمیتی که برای بهبود کیفیت شرایط زندگی خود قایل هستند، پی برد. ج. محیط زیست اجتماعی: همه انسان‌های اطراف ما، اعم از خانواده، همسایه، همکار و ... محیط زیست اجتماعی ما را تشکیل می‌دهند. این بخش از محیط زیست، دارای اهمیت زیادی است؛ زیرا زندگی انسان یک موجود اجتماعی است که در سایه ارتباط با دیگران مفهوم پیدا می‌کند.

۲-۲. مبانی و اصول اسلامی در مورد نظام آفرینش و محیط زیست

(لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)^۱ (مائده / ۱۲۰) قرآن کریم مالکیت همه اشیاء را از آن خدا دانسته و مالکیت انسان نسبت به اموال مالکیت قراردادی است که از سوی خدا به افراد به عنوان امانت تفویض شده است؛ مانند مالکیت انسان بر اعضای بدن خود، آیه به صراحت می‌فرماید همه موجودات که در آسمان‌ها هستند و از محدوده علم بشر پنهان و آنچه در زمین است و آنچه بین آنها است و آنچه در اعماق زمین است [همه موجودات زنده و غیره زنده] از آن خدا است و مالکیت آنها با خداست پس ما در محیطی زندگی می‌کنیم [محیط طبیعی و اجتماعی] که خدای عالم خالق و مالک و حاکم آن است و هدایت و تربیت عالم نیز به ذات وجود او است.

۲-۲-۱. طبیعت مقدمه شناخت خداوند

اهمیت پرداختن به طبیعت آنجا آشکار می‌شود که یکی از قوی‌ترین ادله در اثبات وجود خداوند، اقتباس شده از محیط زیست و نظم موجود در طبیعت است که منجر به شکل‌گیری برهان نظم می‌گردد. امام صادق (ع) در توحید مفضل، تمام هستی را عرصه ظهور و بروز قدرت الهی دانسته و درباره آن اینگونه فرمودند: «بدان که هر چه در جهان هستی جز خدای تعالی، از آسمان و زمین و ما بین آنهاست و تمام موجوداتی که در آسمان و زمین وجود دارند همگی آفریده خدایند، و هر چه در جهان هستی از جوهر، و عرض وجود دارد، دارای بسی شگفتی‌هایی است که نمایان‌گر حکمت، قدرت، جلال و عظمت خداست و این‌ها غیر قابل شمارشند! زیرا اگر آب دریا برای نوشتن کلمات و مخلوقات خدا مرکب شود، پیش از این که کلمات پروردگار پایان یابد آب دریا پایان پذیرد، هر چند که همانند آن دریا را نیز بر آن بیفزاییم، و لیکن ما به مقداری از آن‌ها اشاره می‌کنیم تا نمونه‌ای از دیگر موجودات باشند. آسمان‌ها را با ستاره‌ها، خورشید، ماه، افلاک و حرکت و گردش ستارگان، طلوع و غروب آن‌ها را مشاهده می‌کنیم، و زمین را با تمام کوه‌ها، معادن، رودها، دریاها، حیوانات، گیاهان و میان آسمان و زمین؛ جو را با ابرها، باران‌ها، برف‌ها، رعد و برق‌ها، صاعقه‌ها و بادهای وزنده‌اش می‌بینیم! همه این مشاهدات ما از آسمان‌ها و زمین و موجوداتی که در آن‌هاست که هر کدام به انواعی و هر نوعی به اقسامی و هر قسمی به گروه‌هایی تقسیم می‌شود، که این انقسام و انشعاب و اختلاف صفات، شکل‌ها و هدف‌های ظاهری و باطنی نامتناهی است، همه این‌ها میدانی است برای اندیشیدن! و تمام این‌ها با صفات، شکل‌ها و هدف‌های گوناگون ظاهری و باطنی گواه بر یگانگی خدا و دلیل بر جلال و کبریایی اوست» (رفیعا و ساطع، ۱۳۹۴: ۹۳)

۱. آنچه در آسمان‌ها و زمین و در میان این دو و در اعماق زمین وجود دارد و همه از آن خداست و او بر هر چیز تواناست.

حکمای مشا از مشاهده افعال متکثر و هماهنگی که در گیاهان و حیوانات است و مستند به اجزای و عناصر مادی خاص درون گیاه یا حیوان نیست، نفس حیوانی یا گیاهی را نتیجه گرفتند و شیخ اشراق از هماهنگی عالمانه و مدبرانه میان عناصر، به اثبات ارباب انواع برای آن‌ها می‌پردازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۱) در واقع طبیعت آسان‌ترین راهی است که برای انسان شناخت خداوند را مقدور می‌سازد. هر چند گاهی منجر به خطا رفتن انسان نیز می‌شود و به جای هدایت انسان به خداپرستی، او را به وادی پرستش ماه و خورشید و خلق الهه‌های وهمی می‌کشاند. این گونه کفر اندیشی‌ها، می‌تواند گواه بر این باشد که در ذهن انسان‌های گذشته، طبیعت دارای قدرت خدایی بوده است. نکته‌ای که حضرت ابراهیم (ع) نیز برای بیدار کردن غافلان، به آن اشاره می‌کند و ابتدا خود را به پرستندگان ماه و خورشید بدل کرده و سپس با اشاره به زوال‌پذیری ماه و خورشید، می‌فرماید: (لَا أَحِبُّ الْآفَلِينَ) (انعام/ ۷۶)

قرآن کریم، آسمان‌ها و زمین را آیه عظم خداوند می‌داند: (خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ) (عنکبوت/ ۴۴) (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَاخْتَلَفَ اللَّسَانَ لِيُخْبِرَ بِهِ مَن شَاءَ وَهُوَ عَلِيمٌ) (روم/ ۲۲) خداوند رویدن گیاهان را در زمین آیه‌ای از خود دانسته است: (أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَخْبَرْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ) (شعراء/ ۷-۸) و زندگی زنبور عسل و بهره‌گیری از شهد گل‌ها برای تولید عسل مشتمل بر آیه و نشانه‌ای برای اهل تفکر تلقی شده است: (وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) (نحل/ ۶۷) طبیعت، تجلیگاه خداوند متعال است که انسان در جای جای آن حضور الهی را دریافت می‌کند: (وَأَيْنَمَا تُوَلُّوْا فَوَجَّهَ اللَّهُ) (البقرة/ ۱۱۵) قرآن کریم از آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، ابر، باران، جریان باد، حرکت کشتیها در دریاها، گیاهان، حیوانات و بالاخره هر امر محسوس را که بشر در اطراف خود مبیند به عنوان موضوعاتی که درباره آن باید اندیشید و تفکر کرد یاد نموده است (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۷۰) چنانکه خداوند انسان را به دقت و مطالعه در آسمانها و زمین فرامی‌خواند: (فَلْيَنْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (یونس/ ۱۰۱)

در واقع، تصرف در محیط زیست و به هم زدن نظم میان عناصر طبیعت باعث خواهد شد تخریب در هر مخلوق، باعث برهم خوردن توازن در کل نظام خلقت شود.

۲-۳. وظیفه انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین

انسان سرور زمین و عهده‌دار نقش اول روایت‌ها و حکایت‌ها در قرآن است و همه اشیا که در زمین وجود دارد، برای او و در خدمت اوست و هر گونه تغییر و تبدیلی در طبیعت در تسخیر او، توسط او صورت می‌گیرد. چنین برجستگی باعث می‌شود که انسان، گرمی‌تر و عزیزتر از همه اشیا مادی باشد. قرآن کریم ساختار وجودی او را بهترین ساختار وجودی دستگاه آفرینش می‌داند و می‌فرماید: (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) (تین/ ۴) و خداوند همه مواهب زمین را برای او آفریده است و او را به عنوان نماینده و جانشین خود در زمین قرار داده است: (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) (البقره/ ۳۰) از این‌رو، در بین تمام آفریده‌های جهان، او را با کرامت خاص، مقام ویژه‌ای بخشید و فرمود: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) (اسراء/ ۷۰) آدمی، خلیفه خدا در زمین و عهده‌دار شکوفاسازی امانت‌هایی است که در نهان‌خانه ضمیرش جای دارد. انسان دارای ظرفیت بی‌حد و استعداد بی‌نهایت و خواهان رسیدن به نامحدود است. (صادق‌پور، ۱۳۸۶: ۳)

در بحث خلافت انسان، آیه محوری و مورد بحث در قرآن آیه سی سوره بقره است: (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً قَالُوا اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّسۡفِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)^۱ (البقره/۳۰)

انسان جانشین و خلیفه خداوند در عمران و آبادانی زمین است؛ جانشینی و خلافت ایجاب می نماید که او امانت زمین را به نیکویی حفظ نموده و آنرا از هر گونه تخریب و فساد مصون نگه دارد و با دانش و علم نسبت به بهره‌وری و عمران زمین بکوشد و فضای زیست محیطی موجودات دیگر را تضمین نماید و امکان بهره‌وری همگانی و همیشگی را برای همه موجودات در زمین فراهم آورد.

قرآن، انسان را به عنوان موجودی که امانتدار خداست، معرفی می کند و این امانتداری نیز اختصاص به انسان دارد. بلکه حامل امانتی از جانب خداست و از میان تمامی موجودات، تنها اوست که صلاحیت آن را داشته تا امانتدار الهی باشد؛ زیرا همه موجودات جهان آفرینش جز انسان از پذیرش آن سرباز زدند: (اِنَّا عَرَضْنَا الْاَمَانَةَ عَلَی السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَ اَبَیْنَ اَنْ یَّحْمِلْنَهَا وَ اَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْاِنْسَانُ اِنَّهٗ كَانَ ظَلُوْمًا جَهُوْلًا) (احزاب/۷۲) آیه در مقام مقایسه با سایر موجودات است و در انسان، و استعدادی هست که در سایر موجودات نیست. بشر از جایگاهی در عالم خلقت برخوردار است که کوه‌ها، زمین و آسمان‌ها به او نمی‌رسند.

انسان حق دارد از محیط زیست سالم برخوردار باشد و آیات قرآن هم بر همین امر دلالت می کرد. اما نکته مهم این است، که هر حقی، تکلیفی را در پی دارد؛ یعنی همان طور که انسان حق دارد از محیط زیست سالم بهره مند باشد، این تکلیف را نیز دارد که این حق را برای دیگران به رسمیت بشناسد و از هر عملی که دیگران را از داشتن محیط زیستی سالم، محروم کند، خودداری نماید. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: «هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسلها از نعمتهای الهی، و ایجاد جامعه ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی، و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی، برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده روی، و تعبد به عدم اضرار به غیر را، فراهم آورده است.» (مقام رهبری، ۱۳۹۵: ۳) بنابراین، تصرف انسان در طبیعت و محیط زیست مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه مقید به چارچوب‌هایی است که باید آنها را رعایت کند. از جمله: عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسل‌های آینده. عواملی همچون ایمان و اخلاق اسلامی از اموری است که می‌تواند رابطه‌ای مسالمت‌آمیز میان انسان و محیط زیست برقرار کرده و به سلامتی و شادابی انسان و محیط زیست منجر شود.

بر همین اساس، در قرآن کریم، خداوند همانطور که حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قرار داده، مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را هم بر عهده او گذاشته است. در سوره هود آمده است: (هُوَ اَنْشَاَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِیْهَا)^۲ (هود/۶۱) از این آیه استفاده می‌شود که محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان است و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است. نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد آن است که قرآن نمی‌گوید، خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت؛ بلکه می‌فرماید: عمران و آبادانی زمین را

۱. و آن هنگام را که پروردگارت به ملائکه گفت: من در زمین خلیفه‌ای قرار داده‌ام. (آنها) گفتند: آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که فساد می‌کند و خون‌ها می‌ریزد و حال آنکه ما تو را تسبیح به حمد می‌گوئیم و برای تو پاکی و قداست قائلیم. (خدا) گفت: همانا من آنچه را شما نمی‌دانید می‌دانم.

۲. خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما واگذاشت.

به شما واگذار کرد. پس انسان، مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد و مفهوم آیه این است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود.

در بسیاری از آیات قرآن، واژه «فساد» همراه با «فی الأرض» آمده است که این فساد در زمین، شامل فساد در طبیعت و محیط زیست نیز خواهد بود. به همین جهت، قرآن کریم با بیان عناصر محیط زیست و طبیعت، تخریب و نابودی آنها را مصداق بارز فساد می داند و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ)^۱ (البقره/۲۰۵)

گناه و آثار تکوینی آن موضوعی است که همواره مورد توجه بوده است. در همین باره در طول تاریخ تفسیر قرآن کریم آیه (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)^۲ (روم/۴۱) مورد توجه مفسران قرار داشته است. این آیه از جهات مختلف مورد توجه قرار گرفته است؛ به ویژه این نکته که آیا فساد مذکور در آیه، خود گناهان صادر شده از بشر است، یا تباهی‌هایی است که بر اثر گناهان به صورت تکوینی در جهان صورت می‌بندد؟ به بیانی دیگر، آیا مراد از عبارت (بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ) خود گناهان است یا نتیجه اعمال و تباهی‌های ناشی از آن؟

در صورت دوم معنا چنین می‌شود: فساد و تباهی در خشکی و دریا به خاطر اعمال بد انسان ظاهر شد (مانند نیاریدن باران و گرانی قیمت‌ها که بنابر احادیث، نتیجه گناهان مردم است). این بدان خاطر است که خداوند می‌خواست انسان جزای برخی از اعمال بدش را در همین عالم ببیند. (لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) معنایش این است که خداوند می‌چشاند به آنان آنچه را می‌چشاند؛ برای اینکه شاید از شرک و گناهانشان دست بردارد، به سوی توحید و اطاعت باز گردند.

از آیت‌آباد شده استفاده می‌شود که فساد دارای مفهومی بسیار گسترده است و شامل هرگونه نابسامانی، ویرانگری، انحراف و ظلم می‌گردد. به عبارت دیگر؛ فساد به هرگونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود که نظام آفرینش را دچار مخاطره کند. یکی از نظم‌های موجود در آفرینش، نظم حاکم بر طبیعت و محیط زیست است که هرگونه تخریب و نابودی آن، مشمول نهی در این آیات خواهد شد. از این رو، هرگونه رفتاری که به بروز فساد و تخریب در عرصه محیط زیست ختم گردد، در تضاد با تعالیم عالیه اسلام بوده و ممنوع است. بر همین اساس، انسان باید در عین استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست، از هرگونه رفتار غیراصولی و فسادانگیز در این باره پرهیزد.

۲-۴. انسان، عامل اصلی تخریب در محیط زیست

انسان به عنوان بخشی از این عالم عظیم هست و هرگز نمی‌بایست به صورت یک وصله ناهماهنگ در این عالم زندگی کند. عالم نظام و میزانی دارد و انسان‌ها نیز باید برای حیات توأم با سعادت و سلامت خویش از این نظام و میزان و قوانین و معیارهای توازن بخش عالم هستی تبعیت کنند. همانطوری که اگر میزان و قانون از عالم برچیده شود راه فنا و نابودی درپیش می‌گیرد. اگر انسان‌ها نیز در زندگی فردی و اجتماعی خویش فاقد نظم و میزان بوده و التزامی به رعایت معیارهای بهنجار در زندگی اجتماعی خویش نداشته باشند، رو به فنا خواهند رفت. (الرحمن/۷-۹)

۱. هنگامی که روی بر می‌گرداند [و از نزد تو خارج می‌شوند] در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند، (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد.

۲. فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است! خداوند می‌خواهد نتیجه برخی از اعمالشان را به آن‌ها [مردم] بچشاند، شاید [متنبه و هوشیار شوند و به سوی درستی و راستی و حق] باز گردانند.

آلودگی منابع آب [سطحی و زیرزمینی]، خاک، از بین رفتن مراتع، جنگل‌ها، تالاب‌های طبیعی، دریاچه‌ها، حیات زیستی درحوزه خاک و آب، افزایش گاز گلخانه‌ای و اثر آن بر گرمایش زمین، تولید دی اکسید کربن و اثر آن بر تغییرات اقلیم و از بین رفتن لایه اوزن، آلودگی هوا با گسترش شهرنشینی و افزایش کلان شهرها، مکانیزه شدن سطح و سبک زندگی، مهاجرت روستائیان به شهرها و حاشیه‌نشینی آنها، از جمله کلان شهرهای ایران، محصول دستاورد تفکر بشر، در جامعه امروزی است. «نابودی جنگل‌ها و مراتع برای تجارت، تالاب‌ها و حوضه‌های آبی به واسطه زیاده‌خواهی این طرز تفکر بوده که در واقع، خلاف اعتقادات دینی - مذهبی بوده و به عبارتی خارج شدن از حد تسخیری [تفاوت انسان با سایر جانداران] و کفران نعمت‌های الهی است. از بین رفتن مراتع و جنگل‌ها در مناطق استوایی و خاورمیانه برای توسعه اراضی کشاورزی، تغییر کاربری اراضی، تجارت‌چوب - با توجه به اینکه سود موجودات زنده دنیا در این جنگل‌ها پر باران استوایی زندگی می‌کنند - اگر با همین سرعت ادامه یابد؛ بررسی‌های صورت گرفته حاکی از این است ظرف ۲۵ سال آینده حداقل نیمی از موجودات زنده زمین منقرض خواهند شد.» (پور احمد، ۱۳۹۲: ۱۲۸)

۲-۵. مصادیق تخریب محیط زیست در حال حاضر توسط انسان در آیه ۴۱ سوره روم

(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (روم/۴۱) امروزه در زندگی مدرن و مکانیزه قرن بیست و یکم یعنی قرن شکوفایی علم و پژوهش شاهد از بین رفتن چرخه حیات در کره زمین هستیم. اکوسیستم‌هایی که بر اثر عملکرد انسان‌ها در عصر حاضر مورد آسیب قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

۲-۵-۱. خاک

تخریب زمین و ارائه خدمات اکوسیستمی، به دلیل اهمیت فزاینده در مسایل توسعه جهانی؛ نظیر امنیت غذایی، اهمیت دارد. خاک، علاوه بر اینکه تأمین کننده مواد غذایی است، خاصیت تصفیه‌کنندگی نیز دارد و به همین دلیل به عنوان یکی از پالاینده‌های مهم طبیعت محسوب می‌شود. این خاصیت خاک در اثر خواص فیزیکی، شیمیایی و زیستی آن حاصل می‌گردد. با توجه به وجود چرخه مواد بین اکوسیستم‌های موجود در طبیعت و بستر بودن خاک برای حیات در زیست کره، هرگونه آلودگی در این محیط به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر دیگر موجودات زنده اثر می‌گذارد. متأسفانه، بحث آلودگی خاک نسبت به سایر آلودگی‌های زیست محیطی؛ همچون آب و هوا، به دلیل ملموس نبودن آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما باید توجه نمود که خاک به عنوان یک عنصر میانی بین آب و هوا نقش بسیار مهمی در انتقال و نگهداشت آلودگی دارد. به خصوص به دلیل ماهیت جامد بودن آن مسأله نگهداشت و انتقال آلودگی از این محیط به سایر محیط‌ها و جانداران قابل تأمل است.

انسان به وسیله کشت و کار و تغییر کاربری خاک‌ها، تولید انواع جدیدی از گیاهان و افزایش کودهای معدنی و شیمیایی به خاک جهت و مقدار تحول خاکها را تغییر می‌دهد. مقدار مواد آلی و ازت در خاک‌ها پس از چند ماه کشت و کار به طور چشمگیری کاهش پیدا می‌کند. (امین‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۴)

۲-۵-۲. جنگل‌ها

۱. فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است! خداوند می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آن‌ها (مردم) بچشاند، شاید (متنبه و هوشیار شوند و به سوی درستی و راستی و حق) بازگرداند.

باتوجه به رشد روز افزون جمعیت جهان با سرعتی باور نکردی، نیاز به فضای زندگی بیشتر به یک موضوع نگران کننده تبدیل شده است. با نیاز شدید به زمین کشاورزی، صنعتی و مهم تر از همه جمعیت باید در شهرها اسکان پیدا کنند که با افزایش روز افزون آنها، دلیل اصلی جنگل زدائی به طور مستقیم از آنها نشات می گیرد.

در طول قرن گذشته پوشش جنگلی سراسر جهان به شدت در معرض خطر قرار گرفته و پوشش سبز به کمترین میزان خود یعنی حدود ۳۰٪ کاهش یافته است. به گفته سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد (FAO)، سالانه حدود ۱۸ میلیون جریب (۷,۳ میلیون هکتار) از جنگل ها از بین می روند.

از اثرات جنگل زدایی می توان به این عوامل اشاره کرد: ۱. عدم تعادل آب و هوا ۲. افزایش گرمایش جهانی؛ درختان نقش مهمی را در کنترل گرمایش جهانی ایفا می کنند. درختان گازهای گلخانه ای را مصرف کرده و تعادل در جو را بازیابی می کنند. با جنگل زدایی دائم، نسبت گازهای گلخانه ای افزایش یافته و به مشکلات ناشی از گرمایش جهانی ما می افزاید ۳. فرسایش خاک ۴. سیل ۵. انقراض حیات وحش^۱.

۲-۵-۳. آب

آبیک ماده ضروری جهت زندگی بر روی زمین و جزئی از بدن همه موجودات زنده است. همزمان با رشد جمعیت در جهان و ایجاد توسعه در صنایع مختلف، آلودگی آب تبدیل به یکی از اساسی ترین مشکلات جهان شده است. مسأله تأمین آب سالم، در آینده ای نه چندان دور یکی از اصلی ترین چالش های جهانیان خواهد شد. نتایج تحقیقات نشان می دهد که امروزه سفره های آب زیرزمینی، خصوصاً در شهرهای بزرگ و پرجمعیت دنیا، دارای مشکلات فراوانی است که دلیل این معضلات، نفوذ فاضلاب های صنعتی، وجود چاه های جذبی دفع فاضلاب انسانی، استفاده بی رویه از مواد شوینده و پاک کننده شیمیایی و نفوذ کودهای شیمیایی و حیوانی به اعماق زمین است. همواره اشاره شده است که آلودگی آب، علت مرگ و میر در سراسر جهان است و این که روزانه، بیش از ۱۴۰۰۰ نفر در اثر آلودگی آب می میرند. (موسوی، ۱۳۷۶: ۱۰)

۲-۵-۴. هوا

گازهای گلخانه ای با پدیده طاق زدگی مانع تبادل هوا مابین پایین و بالای خود می گردد و لذا از بالا رفتن گرما جلوگیری نموده و باعث افزایش دما می شود (Global Warming) و به همین دلیل [عملکرد گلخانه ای] به نام گازهای گلخانه ای معروف می باشند. گازهای گلخانه ای باعث بالا رفتن چگالی هوای اطراف زمین نیز می شوند. از مهم ترین اثرات افزایش گازهای گلخانه ای می توان به تخریب لایه ازن اشاره نمود.

ازن در استراتوسفر به صورت یک سپر مانع از رسیدن اشعه خطرناک ماوراء بنفش (uv) به سطح زمین می شود و به همین دلیل این لایه برای ادامه حیات بر روی کره زمین ضروری است.

تابش های ماوراء بنفش شامل امواج بین ۰/۱ تا ۰/۴ میکرون بوده که خود به سه نوع uv-A، uv-B و uv-C تقسیم می شود. کوتاه ترین طول موج را داشته و از همه پرنرژی تر است. دریافت این اشعه توسط بدن موجب تضعیف سیستم ایمنی بدن و بروز انواع سرطان های پوستی می شود. همچنین بروز بیماری های نظیر آب مروارید و کوری چشم با کاهش ضخامت لایه ازن افزایش پیدا می کند.

۱. <http://www.forestfacts.org/>

در دریاها و اقیانوس‌ها مهم‌ترین تأثیر تابش اشعه ماوراء بنفش از بین رفتن فیتوپلانکتون‌ها است که اولین حلقه زنجیره غذایی در این مناطق هستند، همچنین برخی تغییرات ژنتیکی در کرم و لاروهای موجودات دریایی. با توجه به اینکه بیش از ۳۰٪ پروتئین مورد نیاز انسان از دریاها و اقیانوس‌ها تأمین می‌شود با کاهش ضخامت لایه ازن و از بین رفتن فیتوپلانکتون‌ها و به دنبال آن زئوپلانکتون‌ها، زاد و ولد ماهی‌ها کاهش یافته و در نتیجه دسترسی انسان به انواع ماهی‌ها کم می‌شود.

از اثرات تخریب لایه ازن می‌توان به کاهش بازده محصولات کشاورزی؛ مانند برنج، گندم، سویا، سیب‌زمینی و غیره اشاره کرد. همچنین پدیده ریزگردها از مهم‌ترین اثرات خشکسالیبا توجه به تخریب لایه ازن است. در سال‌های اخیر علاوه بر اثرات مضر ریزگردها بر سلامت انسان، دیگر اثرات آن‌ها از جمله تأثیر آن بر کاهش باروری ابرها و فرآیند تولید بارش توجه شده است. اثرات تخریبی ریزگردها عبارتند از: از بین رفتن بافت گیاه و کاهش فعالیت فتوسنتز، تأخیر در رشد گیاه، افزایش ریسک خشکسالی، ایجاد آسیب و کاهش بهره‌وری دام، افزایش فرسایش خاک و سرعت بخشیدن به تقلیل کیفیت زمین و بیابان‌زایی، تأثیر بر کیفیت آب رودخانه‌ها، تأثیر بر کیفیت هوا، افت کیفیت خاک سطحی و انتقال امراض و بیماری‌ها. (محامد، ۱۳۷۷: ۲۴)

۲-۶. نقش اعتقادات و باور دینی به عنوان عامل بازدارنده تخریب محیط زیست

انسان، اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند در زمین است و تمام پدیده‌های طبیعی برای او آفریده شده است. خداوند نظر ویژه‌ای به انسان دارد. آسمان و زمین و دریا و کوه‌ها را در تسخیر بشر قرار داده تا از آنها به شیوه صحیح و مناسب بهره‌برد؛ چنان که آیات ذیل بر آن دلالت دارد:

(لِلَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ، وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (جاثیه / ۱۲-۱۳) (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (بقره / ۲) (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ) (ملک / ۱۵)

با توجه به آیاتی که ذکر شد، طبیعت در تسخیر انسان و برای بهره‌برداری در اختیار او قرار دارد. انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده، بهترین بهره‌را از طبیعت ببرد و با خردورزی دنیا را مزرعه آخرت و سرمایه زندگی اخروی خویش قرار دهد.

متون مختلف تعالیم اسلامی به انحای گوناگون به طبیعت و عناصر آن و همچنین به فواید و اثرهای آن اشاره نموده‌اند و در کنار این اشارات به لزوم حفاظت از آن نیز پرداخته‌اند. این در حالی است که قرآن کریم به بسیاری از اصول و قوانینی که ضامن بقا و تداوم حیات عالم هستی و حرکت آن به سوی کمال است، اشاره می‌فرماید که مراعات این قوانین خود مرحله‌ای از حفاظت از محیط زیست است. برای نمونه می‌توان به موزون بودن عالم هستی و خلق عالم بر اساس توازن اشاره کرد: (وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ) (حجر / ۱۹) به این معنا که انسان نباید عملی مرتکب شود که سبب بر هم خوردن این توازن و تعادل گردد. موضوع بعدی اشاره شده در قرآن که تجاوز به آن سبب بر هم خوردن این تعادل محیط می‌گردد، اندازه و قدر است: (اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ) (رعد / ۸) به بیان دیگر، در تماس با طبیعت و بهره‌گیری از منابع آن باید به گونه‌ای رفتار شود که اولاً؛ قدر و اندازه ملاک عمل قرار گیرد و ثانیاً تغییرات اندازه‌ها به حدی نباشد که سبب تخریب محیط زیست و

از بین رفتن گونه‌هایی گردد. حق بودن خلق الهی و یا به باطل و بازچه آفریده نشدن آنها نیز موضوع مهم دیگری است که به بشر می‌آموزد تا از انهدام طبیعت و عناصر طبیعی در راه‌های باطل و بیهوده احتراز نماید: (وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ) (حجر / ۸۵)

علاوه بر اینها قواعد فقهی متعددی همچون قاعده «لاضرر»، «ضمان»، «اتلاف»، «تسیب» و «عدالت» را نیز می‌توان به عنوان بستری برای حقوق محیط زیست در فرهنگ اسلامی معرفی نمود. مضافاً بر اینکه بسیاری از اصول که به ظاهر به عنوان یک ارزش اخلاقی تلقی می‌شوند و می‌توانند در قلمروی از حیات مصداق خاص خویش را داشته باشند، مثل قناعت، خودکفایی، احتراز از اسراف و تبذیر و ... نیز پشتوانه‌های محکمی در حمایت از حقوق محیط زیست هستند. (نقی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۴۶)

باید توجه داشت که عملکرد انسانی و کنش و واکنش او نسبت به طبیعت، باید مطابق با این نگرش صورت پذیرد و هر نوع عملی که از انسان صادر می‌شود، تأثیری مستقیم در طبیعت داشته و در صحت یا مرض فضای پیرامون مؤثر است. اعمال نیک و خیر انسانی در طبیعت، مایه رشد و کمال طبیعت و کردار زشت و نازیبای بشری، موجب انحطاط و سقوط طبیعت است.

انسان خداشناس سعی بر آن دارد که با عملکرد به آموزه‌های وحی و قرآن کریم در حفظ و نگهداری محیط زیست کوشا باشد؛ زیرا، خدا را ناظر بر رفتار خود با طبیعت می‌داند و به عنوان حق جمعی به محیط زیست می‌نگرد و مانع از پایمال شدن حق برای دیگران می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۹۷)

۳. نتیجه

همانطور که اراده تکوینی خداوند بر نظم و هماهنگی در جهان استوار شده اراده تشریحی او نیز بر چنین امری تعلق می‌گیرد، از این رو خداوند از مخلوقات خود، به ویژه انسان که موجودی مکلف و مختار است خواسته که این نظم و توازن را نگه دارد- آیه ۱۹ سوره حجر- و از تصرف منافی با چنین نظام زیست محیطی پرهیز کند (سوره حجر آیه ۸۵؛ سوره ابراهیم آیه ۱۹؛ سوره انبیاء آیه ۱۶)؛ تعبیر دیگر نظام هستی و نظام در محیط زیست بر اساس اراده تکوینی است و اراده تشریحی خداوند نمی‌تواند خلاف اراده تکوینی در توازن بوده، لذا تناقض و دوگانگی پیدا خواهد شد امر خداوند بر اینکه هر چیزی به میزان مقدر آفریده شده است و انسان خزانه‌دار آن نیست. در واقع، تذکری برای انسان در هدایت تشریحی است که از قدرت تسخیری (افاضه الهی) پا فراتر نهد و متصرف در محیط زیست طبیعی و اجتماعی نگردد و این یک مسئولیت بزرگ برای انسان‌ها و آزمون و آزمایش آنها خواهد بود.

در این پژوهش، علاوه بر نقش محیط زیست بر سلامت انسان، بر اخلاق زیست محیطی، مبانی و احکام در حفظ محیط زیست و نقش محیط زیست در چرخه حیاتی سایر موجودات نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در دین اسلام، به عالم طبیعت، نه به عنوان وجودی مستقل، بلکه به عنوان تجلی و ظهوری الهی نگاه می‌شود که در آن تمام مخلوقات، نمایی از اسمای الهی بوده و به همین دلیل، قابل و لایق احترام هستند. در اسلام، خداوند در بالاترین مرتبه هستی، انسان، خلیفه خداوند و عالم هستی نیز طفیل وجود انسان تلقی می‌شود که قدرت تسلط و تسخیر عالم را داشته و در عین حال، موظف است با طبیعت، همچون عطیه الهی برخورد کند و در حفظ و آبادانی آن کوشیده و همواره عالم هستی را عزیز بدارد. انسان در روز قیامت نسبت به تمام اعمال خویش مورد سؤال واقع می‌شود؛ زیرا، با وجود انذارها، نهی‌ها، راهنمایی‌ها و تبیین رفتارهای صحیح و شناسایی رفتارهای ناپسند، نسبت به

طبیعت کوتاهی کرده است. از این رو، اهمیت آخرت‌گرایی انسان در رابطه با محیط‌زیست روشن می‌گردد. انسان به عنوان جزئی از این جهان، باید با دیگر مخلوقات خداوند همکاری سازنده و پایدار داشته باشد. محیط زیست و طبیعت، محلی است که انسان در آن متولد شده و رشد و نمو کرده است و گهواره انسان محسوب می‌شود. بدین سبب، باید به گونه‌ای با آن رابطه برقرار کند که ضمن برخوردار شدن از مواهب طبیعی، در حفظ سلامت و پایداری آن نیز بکوشد.

آیات و روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد خداوند، طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و او حق تصرف در آن را دارد؛ اما از سوی دیگر تأکید می‌کند، که «حق بهره‌مندی از محیط زیست، اختصاص به یک نسل ندارد. از این رو، باید بهره‌برداری از آن اصولی و عادلانه باشد؛ به طوری که هم نسل حاضر و هم نسل‌های آینده بتوانند در پناه آن زندگی سالمی داشته باشند. بنابراین، سوء استفاده از این حق که منجر به آلوده‌سازی، تخریب و نابودی محیط زیست شود و در نتیجه به حق دیگران به ویژه نسل‌های آینده در استفاده از آن خللی وارد کند، ممنوع است.» (فیروزی، ۱۳۸۸: ۴۲) انسان خداشناس سعی بر آن دارد که با عملکرد به آموزه‌های وحی و قرآن کریم در حفظ و نگهداری محیط زیست کوشا باشد؛ زیرا خدا را ناظر بر رفتار خود با طبیعت می‌داند و به عنوان حق جمعی به محیط زیست می‌نگرد و مانع از پایمال شدن حق برای دیگران می‌شود.

منابع

الف. کتاب‌ها

- قرآن کریم
- آریان‌پور کاشانی، عباس (۱۳۶۶). فرهنگ انگلیسی به فارسی، چاپ دهم، جلد اول، تهران: امیرکبیر.
- بنان، غلامعلی (۱۳۵۱). محیط زیست انسان و جلوگیری از آلودگی آن، جلد اول، تهران: انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسان.
- کیس، الکساندر (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر حقوق بین الملل محیط زیست. ترجمه محمدحسن حبیبی، چاپ اول، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.
- قوام، میرعظیم (۱۳۷۵). حمایت کیفی از محیط زیست، چاپ اول، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- ابن ابی جمهور، محمدبن زین الدین (۱۴۰۵)، عوالی اللثالی، قم: سیدالشهدا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). انتظار بشر از دین. قم: اسراء.
- (۱۳۸۸). تبیین براهین اثبات خدا، چاپ پنجم، قم: اسراء
- رستمی، محمد حسن (۱۳۸۶). سیمای طبیعت در قرآن، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
- میلر، جی (۱۳۶۶). زیستن در محیط زیست، ترجمه مجید مخدوم، تهران: دانشگاه تهران.
- ناصری داوودی، عبدالمجید (۱۳۹۱). محیط زیست و بهداشت، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

ب. مقالات

- امین‌زاده، بهناز (۱۳۸۸). «جهان‌بینی دینی و محیط‌زیست، درآمدی بر نگرش سالم به طبیعت»، مجله محیط‌شناسی، شماره ۳۰، صص: ۹۷-۱۰۳.
- پوراحمد، احمد و رقیه حیدری (۱۳۹۵). «بررسی آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشورهای جهان اسلام»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۱، صص: ۱۴۳-۱۷۰.

- رفیعا، مریم و نفیسه ساطع (۱۳۹۴). «تأثیر باور دینی در نحوه برخورد با محیط زیست»، انسان و محیط زیست، دوره ۱۳، شماره ۳، صص: ۸۹-۱۰۴.
- ربانی، محمد (۱۳۷۸). «بهره‌گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلام»، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست.
- صادقی، امیرحسین و همکاران (۱۳۸۶). «رویکردهای نوین به درون‌مایه‌های دینی در حفاظت محیط زیست»، نشریه پژوهش و حوزه، شماره ۳۰.
- صادق‌پور، طیبه (۱۳۸۶). «کرامت انسان در قرآن»، بینات (موسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام)، شماره ۵۳.
- فیروزی، مهدی (۱۳۸۷). «مبانی حق بهره‌برداری از محیط زیست سالم در قرآن کریم»، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۴۲.
- محمدی، طاهره و مهری اذانی (۱۳۹۶). «نگرش و اهمیت اسلام به محیط زیست»، مجله مطالعات علوم زیستی و زیست فناوری، شماره ۹، دوره سوم.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۲). «جهان بینی و حفاظت محیط زیست»، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۲۲، صص: ۱۴۵ - ۱۸۳.

ج. منابع انگلیسی

- Welburn A.(1990)Air Pollution and acid rain the biological impact LongmanPublication.PP:100-127.
- Tucker M E, Grim J. Series foreword. In: Grim J A, Editor. Indigenous Traditions and Ecology. Harvard University Press, Massachusetts, 2001, pp.xv-xxxii.

وب سایت‌ها:

- مقام معظم رهبری (۱۳۹۵). مبانی حق بهره‌مندی از امنیت زیست محیطی در قرآن کریم. وب سایت: اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه. رواق اندیشه ۴۲:

http://pajuhesh.irc.ir/Product/magazine/show.text/id/907/book_keyword//occasion//index/1/indexId/108503